مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

فرا رسیدن نیمه شعبان، سالروز میلاد امام زمان (عج) منجی عالم بشریت را تبریک می‌گوییم

پنجشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۲ شعبان ۱۴۴۵ - ۲۲ فوریه ۲۰۲۴ - سال بیست و سوم - شماره ۶۲۱۱ - ۸ صفحه - ۷۰۰۰ تومان

۹۰ مدیر متخلف در دولت رئیسی برکنار شدند

صفحه۲

تدارک گروسی برای سفر به تهران

صفحه۷

«دادکان» در گفت‌وگو با «مردم سالاری» تشریح کرد

نگاه سیاسی مردم به فوتبال، حاصل عملکرد مدیران

صفحه۳

از سفر اینفلوئنسرها تا توطئه اسرائیل در حادثه خط لوله

گروه سیاسی- فهیمه جهازیان: اعضای کابینه سیزدهم در حیاط دولت طبق روال هر چهارشنبه در جمع خبرنگاران به سوالات اصحاب رسانه پاسخ دادند. سید ابراهیم رئیسی در بخشی از اظهارات خود در جلسه هیات دولت، بر ضرورت اعتماد کردن و میدان دادن به جوانان تاکید و تصریح کرد: در طول تاریخ انقلاب اسلامی هر جا به جوانان مسئولیت سپرده شده، آنجا عرصه موفقیت و کسب دستاوردهای بزرگ بوده است. این جوانان بودند که...

صفحه۲

انگشت اتهام وزارت صمت به سمت مالباختگان

در حالی که اقتصاد ایران هر روز در حال تماشای ظهور پدیده‌هایی همچون کوروش کمپانی و شکل‌گیری کلاهبرداری‌های پانزی است، نهادهای ناظر و سیاست‌گذار توپ را به زمین یکدیگـــر می‌اندازند؛ به‌ویژه وزارت صمت به‌عنوان متصدی اصلی این حوزه تا کنون به‌نوعی ســـعی داشته مالباختگان را متهم اصلی توسعه چنین شـــرکت‌هایی معرفی کند. در روزهای اخیر بحث کلاهبرداری کوروش کمپانی به بحث داغ فضای مجازی تبدیل شده و...

صفحه۴

ضربه سنگین روسیه به قلب اوکراین

گروه بین‌الملل - فخری‌ســـادات مسچی: برخی منابع می‌گویند که «سقوط آودیوکا ممکن اســـت مهمتر از آن چیزی باشد که در ابتدا به نظر می‌رسید، چون اوکراین با روحیه ضعیف و اســـتخدام سرباز دست و پنجه نرم می‌کند.» صدها تن از سربازان اوکراینی شاید در جریان عقب نشینی بی نظم از آودیوکا واقع در شرق این کشـــور به دست واحدهای روسی دستگیر یا ناپدید شده باشند که این مساله می‌تواند ضربه‌ای به روحیه ضعیف...

صفحه۷

رئیس کل سازمان نظام پرستاری خبر داد

ترک خدمت ۲۱۶ پرســـتار

صفحه۵

یادداشت

تنوع حوزه‌های رقابت ایران

علی نصری

تاکر کارلسن – خبرنگار آمریکایی – در بخشی از مصاحبـــه جنجالی اخیر خود با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روســـیه به او می‌گوید: شـــما اگر مدعی هســـتید که انفجـــار «خطـــوط لوله نورد اســـتریم» کار آمریکا بوده، چرا اسنادش را منتشر نمی‌کنید تا به یک پیـــروزی بزرگ تبلیغاتی علیه آمریکا دســـت یابیـــد؟ پوتین در پاســـخ می‌گوید شکســـت دادن آمریکا در جنگ رســـانه‌ای بسیار دشـــوار است، چرا که اکثر رســـانه‌های جهان و از جمله اروپا را تحت کنترل خود دارد. ما اگر چنین کاری بکنیم، به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید.

این پاســـخ ولادیمیـــر پوتین به خوبی نشـــان می‌دهد که او – بســـیار آگاهانه – تنها تمایل دارد که در «حوزه رقابتی» تعریف شـــده خود با آمریکا – و سایر کشورها – وارد نزاع شود و حاضر نیست منابع، ثروت، نیرو، ســـرمایه سیاســـی و حیثیتی کشورش را در حوزه‌ای خرج کند که امکان رقابت هم‌تراز در آن نمی‌بیند.

پوتیـــن در عین حـــال، در همیـــن مصاحبه با کارلسن، از قدرت‌نمایی و رجزخوانی و اندرزگویی از موضع قدرت، در حوزه‌های رقابتی روســـیه هیچ دریـــغ نمی‌کند. او در حوزه‌هـــای مربوط به تاریخ، ژئوپلیتیـــک، نظامی و امنیتی به تفصیل ســـخن می‌گوید و از موضع کشورش با اقتدار دفاع می‌کند. مثـــلاً در بخشـــی از مصاحبه بـــرای اثبات صحت نظریـــات تاریخی خود پوشـــه خاکســـتری رنگی که حاوی کپی نامه‌ها و اســـناد تاریخی‌ســـت را به خبرنگار آمریکایی هدیه می‌دهد. و یا در جای دیگر، برای نشان دادن سیطره اطلاعاتی نهادهای امنیتی کشورش، از زندگی شخصی آن خبرنگار و تلاشش برای اســـتخدام شـــدن در CIA در دوران جوانی می‌گوید که باعث شگفتی او می‌شود.

انتخاب هوشمندانه «حوزه‌های رقابتی» و تمرکز نیروها و منابع خود بر آنها، از بارزترین ویژگی‌های کشورهای قدرتمند در جهان امروز است.

کشـــور چین، انتخاب کرده کـــه در حوزه‌های اقتصادی و تکنولوژی با جهـــان غرب رقابت کند. دولـــت چیـــن – لااقل تـــا به امـــروز – در صحنه بین‌المللـــی، نـــه علاقه‌ای بـــه تنـــش و رقابت و قدرتنمایی نظامی از خود نشـــان داده، نه در حوزه ژئوپلیتیـــک فعالیت چندانـــی دارد، نه وارد جنگ رسانه‌ای می‌شـــود و نه حتی تلاشی برای تسخیر «قلب‌هـــا و ذهن‌هـــا» و نفوذ فرهنگی در ســـایر کشـــورها دارد؛ از جمعیت یک و نیـــم میلیاردی چین، نه «ســـلبریتی» فرهنگی خاصی سربرآورده و نه فیلســـوف و نویسنده و نظریه‌پرداز سرشناسی که برای جهانیان نســـخه بپیچد ظهور کرده است. امـــا در حوزه اقتصاد و تکنولـــوژی نام چین زبانزد مردم جهان است.

اتحادیه اروپا امروز «حـــوزه رقابتی» خود را در «قدرت نـــرم» و توان نرماتیو یا «هنجارســـازی» انتخاب کـــرده و در همین حوزه نیز به قدرتنمایی و اعمال نفوذ در صحنه بین‌المللی می‌پردازد. مثلاً در مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی، این توافق‌نامه «پاریس» اســـت که حـــرف اول را می‌زند. قدرت اقناعی اروپاســـت که افکار عمومی جهان را شکل می‌دهد و ۱۹۵ کشـــور جهان را گـــرد هم آورده و خط‌مشـــی‌های ملـــی آنها برای متوقف ســـاختن افزایش دمای کره زمین و کاهش انتشـــار گازهای گلخانـــه‌ای و تطبیق دادن صنایع خـــود با اهداف مطرح شده را تعریف می‌کند. اتحادیه اروپای امروز دیگر اروپای «سایکس – پیکو» قرن بیستم نیست که حوزه اقتدارش را در ژئوپلیتیک جســـت‌وجو و فرانســـه و بریتانیا بقایای امپراتـــوری عثمانی را با خط‌کش بین خودشـــان تقســـیم کنند. حال جا دارد که ما نیز از خود بپرســـیم که «حوزه رقابتی» واقعی ایران کجاست؟ در حال حاضر، اینطور که به نظر می‌رســـد – و هر از گاهـــی در اظهارات برخی مسئولین شـــنیده می‌شود – ما در تمام حوزه‌ها با همه قدرت‌های جهانی ســـر رقابت داریم. در حوزه ژئوپلیتیک می‌خواهیم – مانند دوره ساسانیان – از اقیانوس هند تا دریای مدیترانه را تحت تسلط خود داشـــته باشـــیم. در حوزه نظامی با آمریکا دست و پنجـــه نرم کنیم. در حوزه اقتصـــادی دلار را نابود کنیم. در حوزه اقناعی؛ ســـبک‌زندگی، نوع پوشش و ارزش های فرهنگی ایرانی – اســـلامی خود را به همه جهان صادر کنیم – یا به گفته بعضی‌ها حتی کاخ سفید و کاخ باکینگهام را به حسینیه و مهدیه تبدیل کنیم. و در حوزه علم و تکنولوژی ابرقدرت جهان شویم.

هر چند اهـــداف بزرگ داشـــتن و تلاش برای پیشرفت در همه زمینه بسیار لازم و ستودنی است، اما موضوع «حوزه رقابت» بحث دیگریست. قطعاً نه ما و نه هیچ قـــدرت دیگری از منابع و توانایی‌های کافی برای «رقابت» در همه این زمینه‌ها برخوردار نیست.

واقعیت این اســـت که ما تا زمانی که حوزه‌های رقابت خود را با واقع‌بینی و ارزیابی دقیق ظرفیت‌ها و بر اساس منافع ملی‌مان تعریف نکنیم و همچنان خـــود را در تمـــام زمینه‌هـــا در نبـــرد و رقابت با قدرت‌هـــای منطقه‌ای و جهانی ببینیم و «حریف» بطلبیم، در یک روند فرسایشـــی همچنان شـــاهد افول تدریجی خود در تمـــام حوزه‌های اقتصادی، ژئوپلیتیـــک، نظامی، امنیتی، رســـانه‌ای و اقناعی خواهیم بـــود. عزمی کنیم و حوزه‌هـــای رقابت بر اساس منافع ملی خودمان را شناسایی کنیم.

یادداشت

فروپاشی دژ اوکراین

علی ودایع

فکر و ذهن رســـانه‌های دنیـــا درگیر تنش‌های خاورمیانه اســـت اما جنگ زمســـتانه اوکراین در ســـکوت خبری ادامـــه دارد. ایـــن روزها مجموعه رفتارهای ارتش روســـیه در جنگ اوکراین خیلی خونســـرد شده است. ارتش ســـرخ در آستانه ورود به ســـومین سال نبرد؛ در جنگ تن به تن با تجربه شده اســـت. زرادخانه‌های روسیه همه مدرن‌سازی و دوباره تســـلیح شده‌اند. اقتصاد جنگی مسکو هم نسبتا موفق بوده است.

شـــاید بتوان گفت که حماقت «زلنســـکی» در ضدحملات بهـــاره عامل ناکامی‌هـــای دومینویی اوکراین محسوب می‌شـــود. در میان انبوه خبرها، پیشروی جدید روسیه معادلات را دستخوش تغییر کرده است. شکست شهر «آودیوکا» یک دستاورد اســـتراتژیک برای کرملین اســـت؛ آنچـــه رخ داده بزرگ‌ترین موفقیت روسیه پس از تصرف باخموت محسوب می‌شود.

حالا مقامـــات نظامـــی اوکراین ابـــراز نگرانی می‌کنند که بدون کمک نظامی غرب ممکن است سقوط آودیوکا در سایر نقاط خط مقدم درگیری با روسیه نیز تکرار شود.

در همین حال، متحدیـــن غربی دیگر هیجانی برای حفـــظ ســـنگرهای کی‌یف ندارنـــد. کمبود تســـلیحات در ناکامی و عقب‌نشـــینی اوکراینی‌ها نقش مهمی داشته است. داستان شکست آودیوکا فراتر از پیشـــروی روسیه در یک شهر ساده است؛ این شهر دژ مستحکم مواضع اوکراین بود.

ارتش ســـرخ که روحیه خود را باز یافته، حالا باتوجه به کمبود تسلیحات کی‌یف و برتری موشکی در فضایـــی که دیگر در کانون توجه نیســـت؛ عزم گسترش آرام حملات را دارد.

داســـتان آنچنان غیرقابل پیش‌بینی شـــده که حتی در کنفرانـــس امنیتی مونیخ هم زمزمه‌هایی شنیده شد. ناتو از یک طرف نگران آینده است اما از طرف دیگر پول و تسلیحات نیست. سخنان برخی از رهبـــران اروپایی در مونیـــخ با جریانی پنهانی از کینه همراه بود که بر این باورند کشورهایشان برای حمایت از اوکراین بار زیـــادی را تحمل می‌کنند، در حالی‌که ســـایرین در اروپا حتی سهم خود را به درستی انجام نمی‌دهند.

آمریکایی‌هـــا هم در قلب واشـــنگتن در تعیین اولویت‌هـــای سیاســـت خارجی با چالـــش مواجه شده‌اند. «دونالد ترامپ» کاندیدای احتمالی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ آمریـــکا نیز تصمیـــم دارد در صـــورت پیروزی در انتخابات، به قیمت جان اوکراینی‌ها، در سال جاری، سیاست «اول آمریکا» را به کار ببندد.

از ســـوی دیگـــر، «جو بایـــدن» رئیس‌جمهور فعلی آمریکا از همین حالا هم رقیب بازنده به نظر می‌رسد.

ادامه در صفحه ۷

گزارش روز

فارن افرز بررسی کرد

سونامی احتمالی بازگشت ترامپ

«پیتر فیبور» در فارن افرز می‌نویســـد؛ اظهارات دونالد ترامپ، رئیس جمهوری سابق ایالات متحده در مـــورد ناتو در اوایل فوریـــه با واکنش انتقاد آمیز ســـریع رهبران جهان مواجه شـــد. وی که در یک تجمع انتخاباتی در کارولینای جنوبی سخن می‌گفت اظهار داشت، به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا روسیه را تشـــویق خواهـــد کـــرد «تا هـــر کاری که دلش می‌خواهد» بـــا هر یک از اعضای ناتو که ســـهم ۲ درصـــدی از GDP بـــرای افزایـــش بودجه دفاعی را نپـــردازد، انجام دهد. این هدفـــی بود که اعضای ناتو در سال ۲۰۱۴ بر ســـر آن توافق کردند. چارلز میشل رئیس شورای اروپا این اظهارات را «بی‌پروا» خوانده است. ینس استولتنبرگ، دبیر کل ناتو گفته این اقـــدام «امنیت همه ما را تضعیف می‌کند.» جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا نیز اظهارات ترامپ را «غیرآمریکایی» توصیف کرده است.

این دعوت بـــه جنگ علیه متحـــدان عضو ناتو شـــوکه کننده اســـت، اما اهانتی که ایـــن اظهارات متوجه سازمان آتلانتیک شمالی می‌کند، چندان هم غیرمنتظره نیست. ترامپ از مدت‌ها قبل نارضایتی خـــود از دیگر اعضای ناتو را علنی کرده اســـت. وی همچین ســـابقه‌ای دیرینه در گرم گرفتن با رهبران مســـتبد جهان دارد که احتمالا هیچ کدام از آنها به گرمـــی رابطه او با ولادیمیـــر پوتین، رئیس جمهور روسیه نمی‌رسد. پس از تجربه نمودن دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ، همگان می‌توانند به خوبی حدس بزنند که چـــه اتفاقی می‌تواند در دولت دوم ترامـــپ رخ دهد، امـــا از آن زمان تاکنون شـــرایط محیطی حـــول ترامپ تغییر کرده و از این‌رو، دولت احتمالی بعدی وی تجربه‌ای بسیار پرآشوب‌تر خواهد بود.

ترامپ از زمان ترک اتـــاق بیضی نظرات خود را تغییر نداده اســـت، اما محیط اطراف وی در داخل و خارج و احتمـــالا درک ترامپ از نحوه اداره قدرت اجرایی تحول قابل توجهی را شـــاهد بوده اســـت. وضعیت واشـــنگتن به نحو قابل توجهی خطرناک تر از سال‌های ریاست جمهوری نخست وی است و چند جنگ در جریان است که موجب تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ و نگرانی نظم لیبرال غربی شـــده است.

به عـــلاوه، ترامپ زمانی که از قدرت بر کنار بود، اقداماتی انتقالی را به انجام رسانده که در دور نخست انجام نداده بود. دگرگونی‌های حزب جمهوری خواه و تهیه فهرست مفصلی از دوستان و دشمنان موجب شـــده تا او و تیمش در موقعیت بهتری برای تغییر سیاست بروکراتیک به سود اهداف خود قرار بگیرد. کشورهایی که در دولت دوم ترامپ پیشرفت خواهند نمود شامل رقبا و دشمنان آمریکا از جمله کشورهای چین و روسیه هستند و آنهایی که بیشترین آسیب را خواهند دید، دوستان سنتی ایالات متحده نظیر کشـــورهای اروپایی، ژاپن و شـــرکای این کشور در نیمکره غربی هستند.

البته سیاســـت‌های دقیق دولت آینده ترامپ را نمی‌توان از هم اکنون پیـــش بینی کرد، حداقل به این دلیل که آنها نیز ویژگی‌های شـــخصیتی رئیس جمهور احتمالی آینده یعنی احساســـاتی، شلخته و پریشان بودن را دارا هستند. بازگشت وی به قدرت موجب خواهد شد که جهان چهره‌ای یکجانبه‌گراتر، گوشـــه‌گیرتر و گاهی تهاجمی‌تـــر از ایالات متحده ببیند که تمایـــل چندانی به تقویت ســـاختارهای ژئوپلیتیک و ارزش‌هـــای لیبرالی که هم اکنون نیز تحت فشار قرار دارند نخواهد داشت.

صرف نظـــر از رشـــد قابل توجـــه نیکی هیلی در نظرســـنجی‌ها، ترامپ در مســـیر انتخاب شدن بـــه عنوان کاندیـــدای اصلـــی جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاســـت جمهوری ماه نوامبـــر قرار دارد و در نظرسنجی‌های سراســـری نیز شانه به شانه جو بایدن حرکت می‌کند. با توجه به اینکه کارشناسان امنیـــت ملی هر روز تلاش زیـــادی را صرف ارزیابی تبعات شـــوک‌های ژئوپلتیک احتمالی‌ای می‌کنند که احتمال به وقوع پیوســـتن آنها به شـــدت پایین است، ضرورت دارد که کشورها برای یک کاخ سفید دیگـــر تحت رهبری ترامـــپ و فهم چالش‌هایی که چنین دولتی می‌تواند متوجه امور بین‌المللی نماید برنامه‌ریزی کنند.

نظرات کلی ترامـــپ در مورد جهان امروز اندکی متفاوت از دوره نخست ریاست جمهوری وی است. بر اساس همه شاخص‌ها، وی همچنان معتقد است که شبکه ائتلاف جهانی واشنگتن بهترین مسیر برای تامین امنیت اقتصادی و رفاه آمریکاست و این کشور می‌تواند منافع گسترده ای از قبِل تعامل با دیکتاتورها ببـــرد تا از روابط عمیق با متحدان دموکراتیکش. به علاوه اینکه یک سیاست خارجی یکجانبه و به شدت متکی به بده بستان و معامله بهترین راه برای تعامل با دوســـتان و دشمنان آمریکاست. وی همچنین به تلفیـــق منافع آمریکا با منافع شـــخصی اش در چه حوزه سیاسی و چه حوزه مالی ادامه می‌دهد.

آنچه نسبت به دوره قبلی تغییر کرده این است که بسیار کمتر از دولت قبلی محتمل است که اعضای دولت جدید ترامپ جلوی اقدامات نابخردانه وی را بگیرند. در دوره نخست، بسیاری از مهمترین اعضای تیم امنیت ملـــی وی و متحدان جمهوری خواهش درکنگره نظرات سنتی حزب جمهوری خواه دنبال می‌کردند. زمانی که ترامپ ابراز علاقمندی کرد که در مســـیری متفاوت قدم بردارد، آنها از دسترســـی و نفوذ لازم جهت توضیح اشـــتباه بودن این ایده‌ها برخوردار بودند و اغلب می‌توانســـتند وی را متقاعد سازند. کاملا روشن است که این بار نیز چنین گارد ریل‌هایی در اطراف وی وجود خواهد داشت تا جلوی خروج وی از جاده حکمرانی عقلانی را بگیرد.

اما ترامپ با طبقه بندی مجدد زیردســـتانش به نحوی که قادر باشـــد از نظـــر اداری آنها را صورت دسته جمعی اخراج کند، طرح‌هایی را جهت مرعوب نمودن بروکراســـی اداری اطراف خود توســـعه داده است.

از نظر تئوریک، کنگره همچنان می‌تواند دســـت یک رئیس جمهور ماجراجو را ببندد. اگر دموکرات‌ها قادر باشـــند کنترل ســـنا را حفظ کنند یا کنترل مجلس نمایندگان را بازپـــس بگیرند، قادر خواهند بود از قدرت خود برای دیکتـــه کردن اقداماتی که قوه مجریه می‌تواند یا نمی‌تواند انجام دهد استفاده نمایند. اما این ابزارهای تقنینی، ضعیف‌تر از چیزی هستند که به نظر می‌رســـند. به طور مثال، کنگره قانونی را تصویب کرده کـــه راه رئیس‌جمهور برای خروج رســـمی از ناتو را دشـــوار می‌ســـازد، اما این قانون از نظر انطباق با قانون اساسی مشکوک به نظر می‌رسد. در ثانی رئیس جمهوری که در سیاست‌های خود پایبندی به این اتحادهـــا را انکار می‌کند و به طور مثال تعـــداد تفنگداران آمریکایـــی اعزامی به ماموریت‌های ناتو را به صفر می‌رســـاند می‌تواند به شکلی موثر و حتی بدون نیاز به خروج رسمی از یک ائتلاف، آن را تضعیف نماید.

اما شـــاید مهمترین دلیلی که دولت دوم ترامپ از دولت نخست آن متفاوت خواهد بود تغییرات در محیط ژئوپلیتیک خارجی اســـت. اگـــر وی به اتاق بیضی کاخ سفید برگردد، باید در یک جهان بسیار آشـــفته‌تر از گذشـــته عمل نماید. در سال ۲۰۱۷، ترامپ در حالی به قدرت رسید که دوره پسا جنگ سرد رو به اتمام بود.

تنش‌هایی با چین و جنگ‌هایی داغ علیه طالبان و داعش در خاورمیانـــه در جریان بود، اما وضعیت امروز به مراتب بغرنج‌تر است. اکنون ترامپ در حالی برای ورود مجدد به کاخ ســـفید آماده می‌شـــود که ایالات متحده با جنگ‌هایی داغ و گسترده در شرق اروپا و خاورمیانه، افزایش ریسک درگیری در تنگه تایوان و دریای چین جنوبـــی، بالا رفتن تنش‌ها با ایران و کره جنوبی و سایر بحران‌ها مواجه است. یک جهان آشـــفته و متلاطم مستلزم تعامل بین‌المللی بیشـــتر و نوعی از نقش راهبرانه است که واشنگتن اغلب از سال ۱۹۴۵ تاکنون ایفا نموده است، اما اگر ترامپ برگردد، درست عکس این موضوع رخ خواهد داد.